

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روسیه و انضمام نمودن دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا

علی موسائی^۱

عنایت‌الله یزدانی^۲

چکیده

حمله نظامی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ و انضمام چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه، بزرگ‌ترین درگیری نظامی پس از جنگ دوم جهانی در اروپا محسوب می‌شود که تبیین چرایی رویارویی نظامی روسیه و اوکراین و انضمام این مناطق به فدراسیون را ضروری می‌نماید. از این رو، هدف اصلی این مقاله، پاسخگویی به این سؤالات است که اولاً چرا روسیه تصمیم به حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه گرفت و ثانیاً علل گسترش بحران و موفقیت‌آمیز بودن این انضمام‌ها چیست؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که علت تصمیم روسیه جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه رفع تهدیدهای ناشی از عضویت احتمالی اوکراین در ناتو بوده است، همچنین تغییرات به وجود آمده در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان اوکراین و روسیه در طول بحران و اشتراکات و پیوندهای تاریخی، زبانی، قومی — نژادی و مذهبی میان جامعه روسیه با جوامع این مناطق نقش مهمی در گسترش بحران و موفقیت‌آمیز بودن انضمام‌ها داشته‌اند. روش پژوهش کیفی مطالعه موردی چندگانه و به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی — تحلیلی در بستر مفهومی نظریه‌های موازنه تهدید و سازه‌انگاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

بحران اوکراین، روسیه، سازه‌انگاری، موازنه تهدید، ناتو

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳

^۱. دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان. اصفهان، جمهوری اسلامی ایران. al.mousaei@gmail.com

^۲. استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان. اصفهان، جمهوری اسلامی ایران - دانشیار مطالعات خاورمیانه، مدرسه مطالعات بین‌الملل دانشگاه سان یات سن، جوهای، چین.

eyazdan@ase.ui.ac.ir

مقدمه

اوکراین از جمله کشورهای بازمانده از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی است که به دلایل مختلف هویتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی^۱ و ژئواکونومیکی^۲ برای روسیه و غرب دارای اهمیت فوق العاده است. اهمیتی که باعث شکل‌گیری بحران در سال ۲۰۱۴ و حمله نظامی روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ شد. بحران‌هایی که با فشار روسیه بر اوکراین مبتنی بر عدم امضا توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا^۳ و انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و همچنین حمله نظامی به اوکراین جهت جلوگیری از پیشروی ناتو^۴ به سمت مرزهای امنیتی روسیه از طریق عضویت اوکراین در این سازمان شکل گرفت. در واقع ریشه بحران‌های اوکراین به اقدامات این کشور در جهت نزدیکی به غرب و عضویت در نهادهای غربی برمی‌گردد. در این میان بحران ۲۰۱۴ اوکراین که منجر به انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه شد را می‌توان ریشه اصلی حمله نظامی روسیه به اوکراین دانست. پس از انضمام شبه‌جزیره کریمه به روسیه، اقدامات اوکراین جهت عضویت در نهادهای غربی به‌ویژه ناتو شدت گرفت. اقداماتی که به معنای نادیده گرفتن حساسیت‌های امنیتی روسیه و تهدیدی جدی علیه امنیت و منافع ملی روسیه بود و با واکنش روسیه در جهت به رسمیت شناختن استقلال مناطق جداشده از اوکراین، حمله نظامی روسیه به اوکراین و انضمام چهار منطقه دونتسک،^۵ لوهانسک،^۶ خرسون^۷ و زاپوریژیا^۸ به فدراسیون روسیه مواجه شد. این اقدامات فوراً با عکس‌العمل غرب در چارچوب تحریم‌های گسترده علیه روسیه روبرو گردید. در مقابل روسیه علت حمله به اوکراین را نازی‌زدایی^۹ و جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا و گسترش این دو نهاد به سمت مرزهای امنیتی روسیه و انضمام این مناطق را بر اساس خواست مردم این مناطق امری قانونی اعلام نمود. بر همین اساس، این مقاله سعی دارد از یک‌طرف با استفاده از گزاره‌های رویکرد موازنه تهدید^{۱۰} به تبیین نقش علل مادی در تصمیم روسیه جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک،

1. Geopolitics

2. Geoeconomics

3. European Union

4. NATO

5. Donetsk

6. Luhansk

7. Kherson

8. Zaporizhzhia

9. Denazification

10. Balance of Threat

خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه بپردازد و از طرف دیگر، با بهره‌گیری از گزاره‌های رویکرد سازه‌انگاری،^۱ نقش عوامل غیرمادی در گسترش بحران و موفقیت این انضمام‌ها را تبیین نماید.

روش پژوهش. در این مقاله از روش کیفی مطالعه موردی چندگانه^۲ بهره گرفته شده است که با رویکردی توصیفی - تحلیلی تلاش دارد به پرسش‌های اصلی این مقاله در بستر مفهومی نظریه موازنه تهدید و سازه‌انگاری پاسخ دهد. در این راستا و در جهت پاسخ به پرسش‌های اصلی، به صورت موردی، علل تصمیم روسیه جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه با استفاده از گزاره‌های نظریه موازنه تهدید و علل گسترش بحران و موفقیت‌آمیز بودن این انضمام‌ها با استفاده از گزاره‌های نظریه سازه‌انگاری مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت تا از این طریق به پرسش‌های مقاله پاسخ داده شود. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش‌برداری است.

ادبیات پژوهش. در مورد حمله نظامی روسیه به اوکراین به دلیل اهمیت آن، آثار متعددی به زبان فارسی و لاتین به نگارش درآمده است؛ اما در مورد تبیین دلایل و عوامل انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه با بررسی منابع به این نکته می‌توان پی برد که در این زمینه اثری تاکنون به چاپ نرسیده است و صرفاً اشاره‌ای به این انضمام‌ها در خلال بررسی دلایل و عوامل حمله نظامی به اوکراین شده است. در ادامه به مرور شماری چند از این آثار پرداخته می‌شود.

نیاکوئی و شجاعی (۱۴۰۲) در مقاله «واکاوی ابعاد جنگ روسیه و اوکراین از منظر واقع‌گرایی تهاجمی» معتقدند که گسترش ناتو به سمت شرق، عدم ایجاد توازن در روابط با شرق و غرب از سوی مقامات اوکراین و همچنین تلاش روسیه برای افزایش سهم خود از قدرت جهانی، زمینه‌های شکل‌گیری جنگ بوده‌اند و استمرار جنگ نیز به دلیل اتخاذ سیاست‌های آتش‌بیاری معرکه، طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش از سوی آمریکا و اروپا بوده است.

رحیمی چسلی، روحی دهبنه و گودرزی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی تقابل ایالات متحده و فدراسیون روسیه در بحران اوکراین از دریچه فرهنگ راهبردی» در پاسخ به این سؤال که مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی چه تأثیری بر الگوهای رفتاری دولت‌مدان روس و آمریکایی در

1. Constructivism

2. Multiple Case Study

قبال بحران اوکراین ۲۰۲۲ داشته است؟ به این نتیجه رسیده‌اند که در بحران اوکراین رؤیای قدرت بزرگ و بازگشت به شکوه امپراتوری، مسائل ژئوپلیتیکی، نگرش منفی نسبت به نیات کنشگران رقیب، سنت‌های مربوط به کلیسای ارتدوکس^۱ و ملی‌گرایی روسی، در مقابل باور به قدرت مطلق ایالات متحده در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، استثناگرایی، توجه ویژه به ارزش‌های لیبرال دموکراسی^۲ و ادامه جنگ تا تسلیم بی‌قیدوشرط دشمن قرار گرفته است. در قالب این مؤلفه‌ها، الگوی رفتاری هریک از طرفین به سمت الگوی تقابل حداکثری و بازی با حاصل جمع صفر کشیده شده است.

مالیارنکو و کورمیچ^۳ (۲۰۲۳) در مقاله «سیاست روسیه در قبال اقتصاد سرزمین‌های اشغالی اوکراین: مدرن‌زدایی که در حال رشد است» معتقدند تهاجم روسیه به اوکراین نشانه بازگشت به جنگ‌های دوران امپراتوری و استعماری با هدف تصرف سرزمین‌ها و منابع دولت همسایه و جذب خشونت‌آمیز جمعیت آن است. هدف روسیه جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به خاک خود به دست آوردن اهرم سیاسی در مقابل اوکراین و گسترش کنترل ارضی خود بر اساس ارزش ژئواستراتژیک^۴ و ژئواکونومیک این مناطق بوده است.

اکمن^۵ (۲۰۲۳) در مقاله «لحظات دردناک و تنظیم مجدد: توضیح سیاست خارجی اوکراین، ۲۰۲۲ - ۲۰۱۴» بیان می‌دارد از دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴، رهبران اوکراین سعی کرده بودند تعادلی بین اتحادیه اروپا و ناتو از یک‌سو و روسیه از سوی دیگر برقرار کنند؛ اما از سال ۲۰۱۴، این تعادل به نفع غرب به هم خورد و با انضمام شبه‌جزیره کریمه به روسیه و اقدامات روسیه در این کشور، جهت‌گیری سیاست خارجی اوکراین به شدت غرب‌گرایانه شد و همین جهت‌گیری بدون درک دغدغه‌های امنیتی روسیه یکی از مهم‌ترین دلایل حمله نظامی روسیه به اوکراین و ضمیمه کردن مناطقی از این کشور به فدراسیون روسیه بوده است.

بنابراین، آنچه مقاله حاضر را متمایز می‌کند این مهم است که سعی دارد تا یک تحلیل جامع از علل و عوامل مادی و غیرمادی دخیل در حمله نظامی روسیه به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه ارائه دهد.

¹. Orthodox Church

². Liberal Democracy

³. Malyarenko and Kormych

⁴. Geostrategic

⁵. Per Ekman

چارچوب نظری. در حمله نظامی روسیه به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه دو دسته از علل و عوامل مادی و غیرمادی دخیل بوده‌اند. بنابراین جهت بررسی و تبیین این دو بُعد، به تشریح دو نظریه موازنه تهدید و سازه‌نگاری می‌پردازیم. استفان والت^۱ یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی^۲ محسوب می‌شود. تأکید والت بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای «موازنه قدرت»^۳ است. وی با طرح نظریه موازنه تهدید سعی کرده است تا ضمن اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت، نقطه تمرکز تحلیل را از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق دهد و با جدا کردن تهدید از قدرت، وضعیت موجود سیاست بین‌الملل را توضیح دهد.

والت برخلاف واقع‌گرایان سنتی که معتقدند با توجه به شرایط بدخیمی آنارشی^۴ و عدم پاسخگویی دولت‌ها به هیچ اقتدار عالی‌ه‌ای، چنانچه یک دولت از قدرت زیادی برخوردار باشد، از قدرت خود در جهت حمله به دولت‌های ضعیف استفاده خواهد کرد. بنابراین، این امر موجب می‌شود تا دولت‌هایی که در معرض خطر هستند، دست به ائتلاف‌های تدافعی و رسمی بزنند و به دنبال رفع خطر از طریق مهار قدرت طرف مقابل از طریق برقراری موازنه قدرت باشند (Walt, 1985: 5). وی معتقد است که دولت‌ها صرفاً به دنبال افزایش قدرت یک دولت دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه دولت‌ها علیه تهدیدات متحد و دست به موازنه می‌زنند. به عبارت دیگر، از نظر وی آنارشی بین‌المللی کم‌وبیش خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌هایی که به این موضوع پی می‌برند، رفتاری تهاجمی از خود نشان نخواهند داد و صرفاً در شرایطی که احساس کنند تهدیدی متوجه آن‌ها است از خود واکنش نشان خواهند داد و این واکنش اغلب به صورت ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است (Walt, 1987: 12-13).

سطح و میزان تهدید؛ متأثر از نزدیکی جغرافیایی، قدرت انبوه، توان تهاجمی و نیات و رفتار تجاوزگرانه قدرت تهدیدگر است. هر قدر دولت تهدیدگر متجاوزتر، قوی‌تر و محیط بحران نزدیک‌تر به مرزهای یک کشور باشد، احتمال اینکه دولت‌ها سیاست موازنه را در پیش بگیرند بیشتر می‌شود (Bock, Henneberg & Plank, 2014: 104). بنابراین در روابط میان دولت‌ها و برقراری موازنه، صرفاً میزان قدرت یک بازیگر نباید مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه برداشت دولت‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید نیز در برقراری موازنه نقشی تعیین‌کننده

1. Stephen Walt

2. Defensive Realism

3. Balance of Power

4. Anarchy

دارد. اصولاً زمانی دولت‌ها دست به موازنه می‌زنند که توسط یک قدرت، تهدیدی فوری نسبت به امنیت یا منافع آن‌ها به وجود آمده باشد.

والت به امکان بروز شرایط جنگی و یا مخاصمه‌جویانه توجه دارد و عنوان می‌دارد؛ در شرایطی که معضلات امنیتی خیلی جدی شود، دولت‌هایی که واقعاً امنیت‌جو هستند ممکن است در مورد نیت همدیگر دچار سو تفاهم شوند و به تعارض یا خصومت نسبت به هم برسند (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۵ - ۱۳۴). به عبارت دیگر، احساس و تصور ناامنی عاملی است که باعث می‌شود تا دولت‌ها ضمن افزایش قدرت، به گسترش نفوذ خود از طریق حضور در خارج از مرزهای ملی اقدام کنند.

همچنین والت معتقد است، کشورها هنگامی که مورد تهدید قرار می‌گیرند برای رفع تهدید دو راهبرد متناسب با میزان قدرت خود را اتخاذ می‌کنند. کشورهای ضعیف‌تر معمولاً سیاست اتحاد یا دنباله‌روی از قدرت تهدیدکننده را برمی‌گزینند؛ زیرا درافتادن با قدرت توسعه‌طلب ممکن است در نهایت به بهای انحلال و اضمحلال آنان تمام شود. درحالی‌که کشورهای قوی‌تر اصل موازنه را مدنظر خود قرار می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۳۵). در ادامه به بررسی گزاره‌های رویکرد سازه‌انگاری که از قابلیت بیشتری جهت تبیین نقش عوامل غیرمادی در این انضمام‌ها برخوردار می‌باشد می‌پردازیم.

در رویکرد سازه‌انگاری که از آن به‌عنوان فرانظریه^۱ یاد می‌شود، توجه اصلی به سمت ابزارهای غیرمادی قدرت، بازیگران غیردولتی، فرهنگ، زبان، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی متمرکز است و سعی می‌گردد تا مختصات فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می‌کند مورد بررسی قرار گیرد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۵۶). سازه‌انگاری اگرچه به انواع مختلفی تقسیم می‌شود؛ ولی همه اشکال آن در سه مفروضه اصلی هستی‌شناسی مشترک هستند. نخستین گزاره مهم هستی‌شناسانه سازه‌انگاری این است که این ساختارهای هنجاری و انگاره‌ای مثل فرهنگ، زبان، مذهب، گفتمان و... هستند که تعیین می‌کنند کنشگران چگونه محیط مادی‌شان را تفسیر کنند (Reus-Smit, 2002: 487-498). دومین گزاره، قوام بخشیدن متقابل کارگزار - ساختار است؛ به این معنا که ساختارهای هنجاری در تعیین و تعریف هویت و منافع کشورها نقشی سازنده و تکمیلی دارند؛ ولی از سوی دیگر، رویه‌ها و کردار کشورها نیز نقشی تعیین‌کننده در حفظ، استمرار و تغییر این ساختارها دارند (Wendt, 1999: 96-127).

^۱. Metatheoretical

بر اساس سومین گزاره، این هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. هویت‌ها پایه و اساس منافع هستند و خود هویت نیز بر اساس ساختارهای ذهنی و انگاره‌ای و به‌صورت بین‌الذهانی^۱ شکل می‌گیرد که به‌طور مداوم در حال ساخته‌شدن و بازبینی است. هویت‌ها از طریق مشخص کردن اینکه کشورها کی و چه هستند؛ مجموعه‌ای از منافع و کنش‌ها را ایجاد می‌کنند. هویت خود و دیگری به‌عنوان دوست یا دشمن و یا رقیب در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت‌های اجتماعی، برداشت‌های خاصی از خود را در رابطه با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این طریق، منافع خاصی تولید می‌کنند و به تصمیمات سیاست‌گذاران شکل می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۳۳۲). به‌عبارت‌دیگر، هر هویت خاصی که یک کشور برای خود تعریف می‌کند یک نقش ملی را ایجاد می‌کند که خود، منافع خاصی را در بردارد و این منافع ملی، رفتار سیاست خارجی آن کشور را تعیین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۵۰).

ونت^۲ با توجه به ماهیت اجتماعی و تعاملی هویت‌ها در پاسخ به این سؤال که: تحت چه شرایطی هویت‌ها جمع‌تری و یا خودمحورتر می‌شوند؟ عنوان می‌دارد: هر چه دولت‌ها دارای ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و احساس یگانگی آن‌ها نسبت به هم بیشتر باشد، روابط سیاسی آن‌ها دوستانه‌تر و بیشتر به سمت رویه‌های امنیتی جمعی اشتیاق نشان می‌دهند در مقابل هرچه این ارزش‌ها و هنجارهای مشترک کمرنگ‌تر باشند، روابطشان مبتنی بر خودمحوری بیشتری خواهد بود (Wendt, 1994: 386-390).

برای سازه‌انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی مهم هستند؛ زیرا این عوامل نقشی پررنگ در شکل‌دهی به هویت دولت‌ها و در نتیجه چگونگی تعیین منافع دولت‌ها و الگوهای برآیندها دارند؛ زیرا این‌ها نوعی جهان‌بینی ایجاد می‌کنند که بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

بنابراین، مطابق با گزاره‌های رویکرد موازنه تهدید، زمانی که یک دولت از سوی یک بازیگر قوی که دارای توان تهاجمی و نیات و رفتار تجاوزگرانه است مورد تهدید واقع می‌شود و چنانچه محیط بحران نیز به مرزهای آن کشور نزدیک باشد، دولت‌های قدرتمند بالعکس دولت‌های ضعیف دست به موازنه سازی در جهت رفع تهدید به وجود آمده می‌زنند. بر همین اساس، در این مقاله ابتدا تهدیدهای ناشی از اقدام ناتو جهت عضویت اوکراین به این سازمان علیه منافع و امنیت ملی روسیه بررسی و سپس اقدامات موازنه‌ساز روسیه برای

^۱. Intersubjective

^۲. Alexander Wendt

رفع این تهدیدها تبیین می‌شود. از سوی دیگر، مطابق با گزاره‌های رویکرد سازه‌نگاری، از یک طرف این ارزش‌ها و هنجارها هستند که به رفتار و تعاملات دولت‌ها با یکدیگر شکل می‌دهند. هر چه ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان دولت‌ها بیشتر باشد، شاهد گسترش همکاری و هرچه این ارزش‌ها و هنجارهای مشترک کم‌رنگ‌تر باشد احتمال منازعه میان دو طرف افزایش خواهد یافت و از طرف دیگر، در این رویکرد هنجارها و ارزش‌های مشترک نظیر پیوندها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و قومی – نژادی از مهم‌ترین عوامل چرایی گسترش روابط و شکل‌گیری اتحادها هستند. بر مبنای این گزاره‌ها، در این مقاله ابتدا نقش تغییرات به وجود آمده در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان اوکراین و روسیه در گسترش بحران و سپس نقش ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان جوامع شبه‌جزیره کریمه، دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا و با جامعه روسیه در موفقیت این انضمام‌ها به فدراسیون روسیه تبیین خواهد شد.

۱. حمله نظامی روسیه به اوکراین: نقش عوامل مادی

بر اساس گزاره‌های رویکرد موازنه تهدید، نزدیکی جغرافیایی و تهدید توسط یک قدرت بزرگ دارای توان تهاجمی و نیات تجاوزکارانه، شاخص‌های اصلی ایجاد تهدید هستند که باعث می‌شود تا دولت‌های قوی برای رفع تهدید دست به موازنه بزنند. دو شاخصی که نقشی تعیین‌کننده در حمله نظامی روسیه به اوکراین داشته‌اند. بر اساس این دو شاخص، اقدامات اوکراین جهت عضویت در ناتو پس از بحران ۲۰۱۴ و انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه، اقداماتی غرب‌گرایانه از منظر روسیه تلقی و در چارچوب تقابل کلی با غرب ارزیابی و آن را تهدیدی علیه امنیت خود تعبیر کرد. یکی از اهداف اصلی ناتو به‌عنوان یک قدرت بزرگ که دارای توان تهاجمی قابل توجهی است، از زمان فروپاشی شوروی کنترل و مهار روسیه بوده است. اقداماتی که این نهاد و در کل غرب از زمان فروپاشی شوروی در حوزه اروپای شرقی به‌ویژه حوزه خارج نزدیک انجام داده‌اند، بر اساس مکاتب، اتاق‌های فکر و اسناد راهبردی فدراسیون روسیه، اقداماتی تهدیدآمیز و تجاوزکارانه تلقی شده و مستلزم واکنش و پاسخ قاطع و جدی در جهت رفع این تهدیدها از سوی روسیه دانسته شده است.

گسترش ناتو به سمت شرق، اصلی‌ترین اقدام تهدیدآمیز علیه روسیه بوده است که غرب سعی کرده است از طرق مختلف نظیر سازمان‌دهی و حمایت از انقلاب‌های رنگی در

محدوده خارج نزدیک،^۱ استقرار سامانه سپر دفاعی در شرق اروپا و عضویت کشورهای اروپای شرقی در نهادهای غربی به آن دست یابد. اقداماتی که با هدف تضعیف، محاصره و مهار روسیه عملیاتی شده است. غرب با سازمان‌دهی و حمایت از انقلاب‌های رنگی در محدوده خارج نزدیک سعی کرد با روی کار آوردن دولت‌های همسو، زمینه همگرایی و در نتیجه روند گسترش به سمت شرق را تسهیل کند و با استقرار سامانه سپر دفاعی در شرق اروپا که در ادامه هدف گسترش به سمت شرق بود، باعث پدید آمدن تهدیدهایی جدی علیه امنیت روسیه شد، زیرا از دیدگاه مسکو این انقلاب‌ها و سامانه اهدافی نظیر تنگ کردن حلقه محاصره، تغییر موازنه در منطقه اروپای شرقی، تضعیف موقعیت و جایگاه ژئوپلیتیکی روسیه در منطقه دریای سیاه، محاصره راهبردی روسیه از طریق پیشروی نظامی - امنیتی آمریکا به سمت مرزهای این کشور، تضعیف توان بازدارندگی روسیه و همچنین بر هم زدن توازن قدرت جهانی را دارند (Steff & Khoo, 2014: 246-248). که در مجموع نشان‌دهنده تلاش غرب برای محدودسازی راهبردی و چندوجهی روسیه است.

اما مهم‌ترین اقدامی که امنیت و منافع روسیه را با تهدید جدی روبرو کرد، تلاش غرب در راستای به عضویت درآوردن کشورهای شرق اروپا در نهادهای غربی بود. این اقدام با برنامه مشارکت برای صلح^۲ آغاز و در نهایت منجر به عضویت کشورهای چک، لهستان، مجارستان، بلغارستان، استونی، لتونی، لیوانی، رومانی، اسلواکی، اسلوانی، آلبانی و کرواسی در دو نهاد ناتو و اتحادیه اروپا شد (موسائی، یزدانی و بصیری، ۱۴۰۲ (الف): ۱۷۹). این عضویت‌ها اگرچه با اعتراض شدید روسیه روبرو شد؛ اما با توجه به اینکه به‌جز کشورهای کوچک حاشیه دریای بالتیک،^۳ دیگر کشورهای به عضویت درآمده مرز مشترکی با روسیه نداشتند، برای روسیه تهدید بزرگی به حساب نمی‌آمد. تهدید اصلی این گسترش برای روسیه ابتدا در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۰۸ در بخارست و سپس در سال ۲۰۱۳ با توافقنامه بروکسل بین اوکراین و اتحادیه اروپا و اقدامات اوکراین بعد از انضمام شبه‌جزیره کریمه به روسیه در جهت عضویت این کشور در ناتو با توجه به اهمیت هویتی، اقتصادی، ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی اوکراین برای روسیه نمایان شد. در اجلاس سران ناتو در بخارست درخواست عضویت اوکراین در این نهاد مورد تأیید قرار گرفته بود که با تهدید روسیه و فشار بر اوکراین، این کشور در سال ۲۰۱۰ معاهده بی‌طرفی را به تصویب رساند که

^۱. Near Abroad

^۲. The Partnership for Peace

^۳. Baltic Sea

طبق مفاد آن، اوکراین از پیوستن به هرگونه پیمان نظامی منع شده بود (برهانی، مصفا و عسگر خانی، ۱۳۹۵: ۱۵۶). اما اوکراین علیرغم این معاهده و بی‌توجه به حساسیت‌های روسیه، بر اساس توافقنامه ۲۰۱۳ بروکسل، تمایل خودش را برای امضا قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۱۳ نشان داد. توافقنامه‌ای که بر اساس مفاد آن، زمینه برای عضویت و ورود گام‌به‌گام اوکراین در اتحادیه اروپا فراهم می‌شد. بنابراین با فشار روسیه بر دولت اوکراین و برخلاف خواست اکثریت مردم اوکراین که خواستار پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا بودند، یانوکویچ^۱ از امضا این توافق‌نامه خودداری نمود. تصمیمی که سرآغاز یک بحران گسترده در اوکراین شد و درنهایت منجر به خلع یاناکویچ از سمت ریاست جمهوری و روی کار آمدن الکساندر تورچینف^۲ و اعلام تمایل جهت امضای قرارداد مذکور شد. تصمیمی که باعث شد تا روسیه جهت جلوگیری از عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا و تغییر موازنه قدرت به نفع غرب، اقدام به بی‌ثبات کردن اوکراین و انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک خود نماید (موسائی، یزدانی و بصیری، ۱۴۰۲(ب): ۳۲۱).

پس از انضمام شبه‌جزیره کریمه به روسیه، پارلمان^۳ اوکراین در جواب اقدامات روسیه ابتدا رأی به خروج این کشور از حالت بی‌طرفی داد و سپس در سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را به تصویب رساند که در آن عضویت در ناتو به یکی از اهداف قانونی اوکراین تبدیل و در قانون اساسی این کشور نیز بر آن تأکید شد. پس از به ریاست جمهوری رسیدن ولودیمیر زلنسکی^۴ در سال ۲۰۱۹ نیز وی خواستار عضویت اوکراین در ناتو شد که با حمایت آمریکا مواجه و در سال ۲۰۲۰ این کشور «شریک فرصت‌های پیشرفته» از سوی ناتو شناخته شد. وضعیتی که به معنای اشتراک اطلاعات و دسترسی بیشتر کی‌یف^۵ به برنامه‌ها و آزمایش‌های ناتو بود (Euro News, 2022: 1). همچنین در سال ۲۰۲۱ نیز دو کشور منشور ایالات متحده آمریکا و اوکراین درباره مشارکت استراتژیک^۶ را به امضا رساندند (رضایی و شریعتی، ۱۴۰۲: ۱۷۸). این اقدامات اوکراین با اعتراض شدید روسیه مواجه شد، به طوری که روسیه در دسامبر ۲۰۲۱ خواهان ارائه تضمین از سوی آمریکا در جهت عدم عضویت اوکراین در ناتو می‌شود که با مخالفت آمریکا روبه‌رو شد. این اقدامات که به معنای ورود گام‌به‌گام اوکراین به ناتو بود با واکنش روسیه مواجه شد. به طوری که روسیه در جهت

1. Viktor Yanukovich

2. Alexander Turchinov

3. Parliament

4. Volodymyr Zelensky

5. Kyiv

6. Strategic Partnership

جلوگیری از این اتفاق، ابتدا استقلال دو جمهوری دونتسک و لوهانسک از اوکراین را در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ به رسمیت شناخت و سپس در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به این کشور حمله نظامی و در ادامه در سپتامبر همان سال با یک همه‌پرسی چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا را به فدراسیون روسیه ضمیمه کرد (The Center for Preventive Action, 2024: 1).

اقدامات ناتو در جهت عضویت اوکراین تهدیدی جدی و غیرقابل تحمل برای امنیت و منافع روسیه محسوب می‌شد؛ زیرا در صورت عضویت اوکراین در این نهاد با توجه به واقع شدن اوکراین در جنوب غربی فدراسیون روسیه که این کشور را در حلقه اول پیرامونی روسیه قرار می‌دهد و به گونه‌ای دروازه روسیه به سمت غرب محسوب می‌شود؛ می‌توان به راحتی از طریق این کشور برای محاصره روسیه استفاده نمود (اعظمی، نظری و حسینی، ۱۳۹۷: ۲۷). به عبارت دیگر، اوکراین بر لبه رقابت‌های ژئوپلیتیک روسیه و غرب قرار گرفته است؛ زیرا این کشور مرز اتحادیه اروپا با روسیه و کشوری حائل بین این دو است و همچون دیوار دفاعی غربی روسیه در برابر غرب عمل می‌کند. روس‌ها هیچ‌گاه خاطره تلخ حملات ناپلئون^۱ و هیتلر^۲ از مسیر دروازه غربی را فراموش نمی‌کنند.

همچنین اوکراین ضمن آنکه به دلایلی نظیر حجم مبادلات تجاری، واردات ۷۵ درصدی فراورده‌های نفتی و ۳۳ درصدی گاز اوکراین از روسیه، ترانزیت^۳ ۳۵ درصدی کالاها و مصنوعات ساخت روسیه از طریق خاک اوکراین و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در بخش‌ها و صنایع مختلف اوکراین از اهمیت اقتصادی برای روسیه برخوردار است (State Statistics Service of Ukraine, 2018: 1) نقش مهمی در تجارت انرژی روسیه نیز بازی می‌کند؛ به گونه‌ای که به وسیله خطوط لوله اوکراین، حدود ۸۰ درصد گاز و همچنین ۷۵ درصد نفت وارداتی کشورهای اروپایی از روسیه به بازارهای اروپا منتقل می‌شود (Keypour & Hendla, 2019: 155). بنابراین، در صورتی که اوکراین به ناتو می‌پیوست، روسیه از لحاظ اقتصادی و ژئواکونومیکی با تهدیدهای بسیاری روبه‌رو می‌شود. به این دلیل که علاوه بر محروم شدن از مزیت‌های اقتصادی اوکراین، با توجه به ذخایر نفت و گاز موجود در این کشور و عبور یک سوم خطوط انتقال انرژی روسیه از خاک اوکراین، عملاً روسیه شاهد کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه و حضور شرکت‌های غربی به ویژه شرکت‌های آمریکایی در کنار

1. Napoleon Bonaparte

2. Adolf Hitler

3. Transit

مرزهای خود بود. وضعیتی که باعث تضعیف اهرم انرژی می‌شد؛ اهرمی که نقشی پررنگ در پیگیری اهداف کلان روسیه دارد و در واقع مهم‌ترین ابزار روسیه در جهت دستیابی به خواسته‌های این کشور در برابر غرب به‌ویژه اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین مقصد صادرات انرژی و همچنین کشورهای اروپای شرقی محسوب می‌شود.

علاوه بر این، اوکراین و چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به دلیل پیوندها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی، نژادی، زبانی و مذهبی با جامعه روسیه، برای این کشور به‌گونه‌ای نقش هویت‌ساز دارند. به‌طوری‌که هرگونه از دست دادن این دو، یک ضربه مرگبار به هسته روایت تاریخی و هویت ملی روسیه می‌زند.

روسیه با ضمیمه کردن این چهار منطقه به خاک خود که ۱۵ درصد از کل مساحت اوکراین را شامل می‌شود، عمق استراتژیک خود را تا حاشیه رود دنیپرو^۱ افزایش داده است، موقعیتی که باعث می‌شود این کشور در وضعیت مناسبی به لحاظ مرزی با غرب اروپا و ناتو پیدا کند؛ چراکه از گذشته راهبرد نظامی روس‌ها این بوده است که به لحاظ سرزمینی تا جایی گسترش یابند که اقیانوس، رودخانه یا رشته‌کوه داشته باشند تا بتوانند موضع پدافندی خوبی را در آنجا ایجاد کنند. بنابراین این چهار منطقه در صورت عضویت اوکراین در ناتو همانند منطقه حائل میان ناتو با سرزمین‌های اصلی روسیه عمل خواهند کرد (جاویدان، ۱۴۰۱: ۱). همچنین انضمام این مناطق به روسیه این مزیت را داده است تا ارتباط شبه‌جزیره کریمه به اوکراین به‌طور کامل قطع و این شبه‌جزیره از طریق خرسون به سرزمین روسیه وصل و یک کریدور^۲ زمینی میان این مناطق و شبه‌جزیره کریمه ایجاد نماید. پس از انضمام شبه‌جزیره کریمه، روسیه برای اینکه دسترسی زمینی به شبه‌جزیره کریمه داشته باشد، اقدام به احداث پل کریمه که این شبه‌جزیره را به سرزمین روسیه پیوند می‌دهد کرد تا از این طریق توان لجستیکی^۳ خود را افزایش دهد. توانی که پس از انضمام چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه و قطع کامل ارتباط شبه‌جزیره کریمه با اوکراین و همچنین ایجاد یک کریدور زمینی میان این مناطق و شبه‌جزیره کریمه به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. این کریدور از یک طرف توان لجستیکی روسیه برای جابجایی مهمات، کالا و نیرو بین شبه‌جزیره کریمه و روسیه را به‌شدت افزایش خواهد داد و از طرف دیگر، نگرانی‌های روسیه درباره امکان تخریب پل کریمه و قطع مسیر

^۱. Dnipro River

^۲. Corridor

^۳. logistics

روسیه و انضمام نمودن دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا □ ۶۳

ارتباط زمینی به شبه جزیره کریمه را به طور کامل برطرف خواهد کرد (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۱: ۱). همچنین این کریدور در افزایش توان لجستیکی روسیه در جنگ با اوکراین و حرکت بیشتر نیروها به داخل خاک اوکراین نقش قابل توجهی می تواند داشته باشد. بنابراین انضمام این چهار منطقه به خاک روسیه به این کشور این توانایی را داده تا در صورت هرگونه درگیری و همچنین عملیات نظامی، این کشور در مناطق همجوار دریای سیاه و مدیترانه از توان لجستیکی و پشتیبانی بالایی برخوردار شود.

نقشه شماره ۱: موقعیت ژئواستراتژیکی لوهانسک، دونتسک، زاپوریژیا و خرسون



(منبع: روزنامه ایران، ۱۴۰۱).

از طرف دیگر، به لحاظ استراتژیک، دریای سیاه نقطه حائل میان ناتو و روسیه می باشد و کنترل بر این دریا یک هدف راهبردی برای روسیه است. روسیه همواره به دنبال افزایش نفوذ خود در اطراف دریای سیاه بوده است. برای دستیابی به این منظور و حفظ هژمونی^۱ بر منطقه دریای سیاه، این کشور ابتدا با کمک و شناسایی استقلال جمهوری آبخازیا^۲ واقع در

^۱. Hegemony

^۲. Abkhazia

سواحل شرقی دریای سیاه در سال ۲۰۰۸ و سپس با ضمیمه کردن شبه‌جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ تقریباً بر یک‌سوم خط ساحلی دریای سیاه مسلط شد. با انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا ضمن قطع کامل دسترسی اوکراین به دریای آزوف،^۱ خطوط ساحلی روسیه در دریای سیاه نیز افزایش یافت. موقعیتی که اولاً معضل کشتیرانی تجاری به سمت مسیرهای جدید در آسیا، آفریقا و اروپا را از طریق بندرهای دریای سیاه که در امتداد آب‌های گرم واقع هستند را بدون محدودیت‌های فصلی برای روسیه برطرف می‌نماید و دوماً؛ ناوگان دریای سیاه این کشور به‌منظور حضور نظامی و حفظ منافع حیاتی روسیه در مناطق همجوار دریای سیاه و مدیترانه از توان بازیگری بالاتری برخوردار خواهد شد (پولاب، ۱۴۰۲: ۱). عواملی که باعث خواهد شد تا نفوذ راهبردی روسیه در دریای سیاه و دریای آزوف به‌شدت افزایش یابد و از تغییر موازنه قدرت به نفع غرب در منطقه دریای سیاه جلوگیری شود.

از منظر اقتصادی نیز هرکدام از چهار منطقه ضمیمه‌شده، مزایا و امتیازات خاصی را برای روس‌ها به ارمغان آورده است. شرق و جنوب اوکراین به انبار غله اروپا معروف هستند. برای نمونه خرسون دارای دو میلیون مترمکعب زمین حاصلخیز کشاورزی و منطقه زاپوریژیا نیز بیش از ۹۷۰ هزار هکتار زمین زیر کشت گندم دارد (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲: ۱). به‌طوری‌که این دو منطقه در کنار هم سالانه ۲۵ درصد تولید جو، ۱۶ درصد دانه آفتابگردان، ۲۰ درصد کلزا و ۲۰ درصد گندم اوکراین را تأمین می‌کردند (هلالات، ۱۴۰۱: ۱). مناطق دونتسک و لوهانسک نیز مناطقی به‌شدت صنعتی هستند که به دلیل صنایع فلزی، معادن و ذخایر بزرگ زغال‌سنگ شناخته می‌شوند. بسیاری از صنایع شوروی سابق در این دو منطقه مستقر هستند (Ellyatt, 2022: 3). ایستگاه برق‌آبی دنیپرو، مزرعه تولید برق بادی بوتیوو،^۲ نیروگاه زاپوریژیا به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای در اروپا در منطقه زاپوریژیا واقع شده‌اند و ۲۵ درصد برق اوکراین و تقریباً نیمی از انرژی تولیدشده تأسیسات هسته‌ای در اوکراین را تأمین می‌کردند (Anadolu Ajansi, 2022: 1). همچنین بندرهای ماریوپول^۳ و بردیانسک^۴ واقع در دو منطقه دونتسک و زاپوریژیا که بزرگ‌ترین بندرهای اوکراین در حوزه دریای آزوف محسوب و نقشی اساسی در اقتصاد اوکراین داشتند نیز بعد از

1. Sea of Azov

2. Batiovo Wind Farm

3. Port of Mariupol

4. Port of Berdyansk

انضمام دونتسک و زاپوریژیا در اختیار روسیه قرار گرفتند؛ امتیازی که برای تجارت دریایی روسیه مزیتی بزرگ محسوب می‌شود (Dryad Global, 2023: 2).

اقدام دیگر روسیه جهت توازن سازی در برابر غرب علاوه بر انضمام این چهار منطقه به خاک خود، نزدیکی و عمیق‌تر کردن روابط خود با کشورهای رقیب و مخالف غرب به‌ویژه چین بوده است. از زمان آغاز جنگ بین روسیه و اوکراین، روابط پکن^۱ با مسکو^۲ به‌ویژه در بعد اقتصادی و تجاری شاهد افزایش قابل توجهی بوده است. بعد از حمله نظامی روسیه به اوکراین و انضمام مناطق ذکرشده به خاک خود، روسیه تحت شدیدترین تحریم‌ها از سوی غرب قرار گرفت و این تحریم‌ها باعث شد تا روسیه به دنبال جایگزین و شریکی مطمئن درزمینه تجاری و سرمایه‌گذاری باشد تا از این طریق با خنثی کردن تحریم‌ها به مقابله با غرب بپردازد. بر همین اساس، چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، بهترین کشوری بود که می‌توانست روسیه را به این هدف برساند. به‌طوری‌که در فوریه ۲۰۲۲ یک قرارداد ۲۵ ساله فروش نفت و گاز میان روسیه و چین به ارزش ۱۱۷.۵ میلیارد دلار به امضا رسید که قرار است علاوه بر اینکه سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی اضافی به چین منقل کند و کل واردات سالانه گاز طبیعی چین از روسیه را به ۴۸ میلیارد مترمکعب برساند، همچنین طی ۲۵ سال آینده، ۱۰۰ میلیون تن نفت روسیه از طریق قزاقستان را نیز به چین ارسال نماید (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰: ۱). به‌گونه‌ای که روسیه در سال ۲۰۲۳ با پیشی گرفتن از عربستان سعودی و ایران به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی چین تبدیل شده است (ورستان، ۱۴۰۲: ۱). درزمینه سرمایه‌گذاری نیز تا سال ۲۰۱۹، چین با سرمایه‌گذاری در ۲۲ پروژه کلان در روسیه، توانسته بود بعد از اتحادیه اروپا، رتبه دوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در روسیه را از آن خود کند (Statista, 2020: 1). که طبق توافقات میان روسیه و چین تعداد این پروژه‌ها قرار است به ۸۳ پروژه برسد (VEB.RF, 2023: 1). گسترش روابط با چین به‌گونه‌ای بوده است که حجم مبادلات تجاری روسیه با چین در سال ۲۰۲۳ به ۲۴۰ میلیارد دلار رسیده است (Reuters, 2024: 1). در این میان دو کشور جهت تسهیل و محافظت از این روابط اقتصادی و تجاری رو به گسترش در برابر تحریم‌های غرب از سوآپ ارزی^۳ در تجارت میان خود (تجارت با ارزهای ملی) استفاده می‌کنند (ورستان، ۱۴۰۲: ۱). بنابراین همان‌طور که ملاحظه شد بلوک‌بندی و نزدیکی بیشتر روسیه به چین به‌عنوان

1. Beijing

2. Moscow

3. Currency Swap

کشور رقیب غرب، از اقدامات موازنه ساز روسیه در برابر غرب بعد از حمله نظامی به اوکراین بوده است.

بنابراین همان‌طور که تبیین گردید، تصمیم روسیه در جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به خاک خود برای جلوگیری از تغییر موازنه قدرت در منطقه دریای سیاه به نفع غرب از طریق جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو و رفع زیان‌ها و خسارات ناشی از آن بوده است. اما در این انضمام‌ها صرفاً عوامل مادی دخیل نبوده‌اند، بلکه عوامل غیرمادی نیز نقشی تعیین‌کننده در تسهیل این انضمام‌ها داشته‌اند که در ادامه با بهره‌گیری از گزاره‌های رویکرد سازه‌نگاری به تبیین نقش این عوامل پرداخته خواهد شد.

۲. نقش عوامل غیرمادی

تغییرات به وجود آمده در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان روسیه و اوکراین در طول بحران و همچنین ارزش‌ها و هنجارهای مشترک تاریخی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و نژادی میان جوامع دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا با جامعه روسیه را باید علت گسترش بحران و موفقیت‌آمیز بودن این انضمام‌ها دانست؛ زیرا این عوامل به‌گونه‌ای ماهیتی هویت‌ساز دارند. همان‌طور که بیان شد هویت از نظر سازه‌نگاران، احساسی است که تعلق فرد به یک کشور یا گروه را نشان می‌دهد. هرچه هویت‌ها بین کنشگران از همسانی بیشتری برخوردار باشد، همکاری بیشتر و بالطبع هر چه ناهمسانی بیشتر باشد احتمال منازعه بیشتر خواهد شد. بنابراین این ویژگی‌های هویتی مشخص هر جامعه هستند که تعیین می‌کنند که بازیگران آن جامعه چگونه رفتار کنند و برای متحدشدن به سمت چه کشورهایی گرایش بیشتری نشان دهند.

گذشته تاریخی، سرزمین نیاکان، مفاخر ملی، زبان مادری، پیوندها و اسوه‌های دینی و عصبیت‌های قومی هویت یک جامعه را تشکیل می‌دهند و نقشی مهم در تعیین منافع و کنش کنشگران دارند (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۳۰). تمام این موارد ذکرشده در رابطه با دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا با روسیه صدق می‌کند.

استان‌های دونتسک و لوهانسک بخشی وسیعی از منطقه دونباس^۱ را تشکیل می‌دهند. این منطقه تا اواسط قرن ۱۸، زمانی که امپراتوری روسیه به رهبری کاترین دوم،^۲ هتمانان^۳

^۱. Donbas

^۲. Catherine II of Russia

^۳. Hetmanate

را فتح کرد تا حد زیادی تحت کنترل هتمانان قزاق اوکراین و خانات کریمه بود. روسیه نام این سرزمین‌ها را «روسیه جدید» گذاشته بود. با وقوع انقلاب صنعتی در سراسر اروپا، منابع عظیم زغال‌سنگ دونباس در اواسط قرن نوزدهم مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این امر منجر به هجوم مهاجران روسی به این منطقه شد. به طوری که روس‌ها اکثریت نیروی کار در این منطقه را تشکیل می‌دادند. در دوران شوروی، اوکراینی‌های دونباس تحت تأثیر قحطی هولودومور^۱ در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۲ و سیاست روسی‌سازی استالین^۲ قرار گرفتند. بر اساس یک تخمین، ۸۱ درصد از کسانی که در طول این قحطی جان باختند، اوکراینی بودند، در حالی که تنها ۵ درصد از جان‌باختگان روس تبار بودند. دونباس به مدت دو سال در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ به تصرف نازی‌ها درآمد. نازی‌ها در این منطقه فجایع زیادی مرتکب شدند، به طوری که بسیاری از زیرساخت‌های این منطقه نابود شد و تعداد زیادی از افراد غیرنظامی این منطقه توسط نازی‌ها کشته شدند. برای نمونه ۲۷۹۰۰۰ غیرنظامی در استان دونتسک و نزدیک ۴۶۰۰۰ غیرنظامی در لوهانسک در طول دوره اشغال قتل‌عام شدند. پس از جنگ دوم جهانی، شوروی اقدام به بازسازی دونباس کرد و در طول این بازسازی بسیاری از کارگران روسی وارد این منطقه شدند و تعادل جمعیت را بیش‌ازپیش تغییر دادند. به طوری که در سال ۱۹۵۹، جمعیت روس‌تبار بیش از دو برابر شد و به دو و نیم میلیون نفر رسید. روسی‌سازی با اصلاحات آموزشی شوروی در سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۵۸ که منجر به حذف تقریباً تمام آموزش‌های زبان اوکراینی در دونباس شد، بیشتر گسترش یافت. در سرشماری سال ۱۹۸۹، ۴۵ درصد از جمعیت دونباس قومیت خود را روس گزارش کرده بودند (Kuromiya, 2003: 12-32). در جریان بحران ۲۰۱۴ اوکراین و پس از انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه نیز دو جمهوری دونتسک و لوهانسک واقع در منطقه دونباس در مه ۲۰۱۴ طی یک همه‌پرسی از اوکراین اعلام استقلال کرده بودند (Cavandoli, 2016: 875).

زاپوریژیا نیز در سال ۱۷۷۰، زمانی که قلعه الکساندروفسکایا^۳ به‌عنوان بخشی از خط دفاعی دنیپرو برای محافظت از مناطق جنوبی امپراتوری روسیه در برابر تهاجمات تاتارهای شبه‌جزیره کریمه ساخته شد، تأسیس شد. پس از معاهده کوچوک کاینارکا^۴ در سال ۱۷۷۵، سرزمین‌های جنوبی دشت روسیه و شبه‌جزیره کریمه به امپراتوری روسیه ملحق شدند. در طول جنگ داخلی روسیه (۱۹۲۱-۱۹۱۸)، زاپوریژیا صحنه نبردهای شدید بین

1. Holodomor Famine

2. Joseph Stalin

3. Alexandrovskaya Castle

4. Treaty of Küçük Kaynarca

ارتش سرخ با ارتش سفید، خلق اوکراین و سربازان آلمانی - اتریشی بود. دولت شوروی در طول دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ اقدام به صنعتی کردن زاپوریژیا کرد، به طوری که مهم‌ترین صنایع این منطقه نظیر ایستگاه برق‌آبی دنیپر و کارخانه‌های فولاد و آلومینیوم در طول این دو دهه تأسیس شدند که یکی از عوامل ورود روس تباران به‌ویژه کارگران روسی به این منطقه بود. زاپوریژیا در ۳ اکتبر ۱۹۴۱ توسط نازی‌ها به مدت دو سال اشغال و ویران شد. تا اینکه ارتش سرخ در ۱۳ اکتبر ۱۹۴۳ طی یک حمله غافلگیرانه موفق شد زاپوریژیا را از نازی‌ها پس بگیرد. در دهه‌های پس از جنگ نیز این منطقه توسط شوروی بازسازی شد. (Photoalbum, 2008: 1-4) در جریان بحران ۲۰۱۴ اوکراین نیز درگیری‌هایی بین مخالفان و طرفداران روسیه روی داد که منجر به تصرف ادارات دولتی زاپوریژیا شد (Buckley, 2014: 1).

قبل از سال ۱۷۷۴، منطقه‌ای که امروزه خرسون در آن قرار دارد به خانات کریمه تعلق داشت. امپراتوری روسیه این منطقه را در سال ۱۷۷۴ به خاک خود ضمیمه کرد و با فرمان کاترین دوم در ۱۸ ژوئن ۱۷۷۸ خرسون را در کرانه بلندی دنیپرو به‌عنوان قلعه مرکزی ناوگان دریای سیاه تأسیس کرد. در سال ۱۷۸۳ یک کارخانه کشتی‌سازی در خرسون افتتاح شد که بدنه ناوگان دریای سیاه روسیه در آن مستقر شد (Большая Советская Энциклопедия, 1957: 121-122) در انتخابات مجلس مؤسسان روسیه که در نوامبر ۱۹۱۷ برگزار شد، بلشویک‌هایی که قدرت را در پتروگراد^۲ و مسکو به دست گرفته بودند، به دنبال این بودند که قدرت در خرسون را نیز تصاحب کنند، اما قبل از اینکه بلشویک‌ها بتوانند خرسون را به دست بگیرند، آن‌ها موظف شدند که این منطقه را طبق قرارداد صلح برست - لیتوفسک^۳ (۱۹۱۸) به دولت اوکراین تحت کنترل آلمان و اتریش واگذار کنند (Akulov, 2013: 92-93). خرسون سرانجام در فوریه ۱۹۲۰ به دست ارتش سرخ بلشویکی افتاد، در سال ۱۹۲۲ نیز به‌عنوان یک جمهوری تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی به‌طور رسمی به این اتحادیه پیوست. در جنگ جهانی دوم، خرسون نیز به دست نازی‌ها افتاد و بسیاری از زیرساخت‌های آن تخریب شد. در دهه‌های پس از جنگ، خرسون نیز همانند دو منطقه دیگر توسط شوروی بازسازی و صنعتی شد. اقدامی که باعث شد تا جمعیت آن بیش از دو برابر شود و تا سال ۱۹۷۰ به ۲۶۱۰۰۰ نفر برسد و سیل روس تبارها را به این شهر سرازیر کند. به طوری که ۳۰ درصد

¹. Bolsheviks

². Petersburg

³. Treaty of Brest-Litovsk

جمعیت این شهر را روس تبارها تشکیل می‌دادند (Encyclopedia of Ukraine, 2015: 1). در بحران ۲۰۱۴ اوکراین، خرسون نیز درگیر ناآرامی شد و معترضان ضمن محکوم کردن اقدامات خشونت‌آمیز دولت اوکراین، خواستار اتحاد با روسیه شدند (Liga News, 2014: 1). در سال ۲۰۲۱ نیز طی یک نظرسنجی که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ و اتحادیه اروپا برگزار شد، مشخص شد که اغلب مردم خرسون تمایل بیشتری به همکاری با روسیه دارند تا عضویت در اتحادیه اروپا (UNDP, 2021:1).

بنابراین، همان‌طور که نشان داده شد، این مناطق با روسیه دارای اشتراکات تاریخی هستند. اما اشتراکات تاریخی تنها اشتراک موجود بین این جوامع با جامعه روسیه نمی‌باشد، بلکه اشتراکات قومی - نژادی، زبانی و مذهبی از جمله عوامل دیگری است که جوامع این چهار منطقه را با جامعه روسیه پیوند می‌دهد. از نظر قومی، نژادی اکثریت مردم این چهار منطقه همانند مردم روسیه از نژاد اسلاو^۲ هستند؛ زیرا حدود ۳۸ درصد جمعیت دونتسک روس تبار و ۵۷ درصد اوکراینی، ۳۹ درصد جمعیت لوهانسک روس تبار و ۵۸ درصد اوکراینی، ۲۰ درصد جمعیت خرسون روس تبار و ۷۶ درصد اوکراینی و ۲۵ درصد جمعیت زاپوریژیا روس تبار و ۷۱ درصد اوکراینی هستند (State Statistics Committee of Ukraine, 2001: 1). همچنین ۷۵ درصد از جمعیت دونتسک، ۶۹ درصد از جمعیت لوهانسک، ۶۷ درصد از جمعیت زاپوریژیا و ۲۵ درصد از جمعیت خرسون به‌طور کامل به زبان روسی تکلم می‌کنند (Kyiv International Institute of Sociology, 2004: 1).

از لحاظ مذهبی نیز اکثریت جمعیت چهار منطقه همانند مردم روسیه پیرو مذهب ارتدوکس هستند. به‌طوری‌که ۷۰ درصد جمعیت دونتسک، ۷۱ درصد جمعیت لوهانسک، ۷۳ درصد جمعیت زاپوریژیا و ۷۵ درصد جمعیت خرسون پیرو این مذهب هستند (Razumkov Centre, 2015: 1). اشتراک مذهبی، عاملی بوده است تا مذهب نقش مهمی در احساس پیوند و نزدیکی روس‌ها نسبت به این مناطق داشته باشد. به‌طوری‌که بعد از بحران ۲۰۱۴ اوکراین و شروع ناآرامی‌ها، همواره روسیه و نیروهای نیابتی آن در این مناطق استدلال می‌کردند که اقدامات آن‌ها در راستای دفاع از هویت مسیحی ارتدوکس جمعیت روس تبار است که به گفته آن‌ها در معرض تهدید دولت اوکراین قرار گرفته است (Vovk, 2022: 1). تمام این مسائل باعث شده تا روابط تاریخی، فرهنگی و مذهبی را بین

¹. United Nations Development Programme

². Slavs

این مناطق و روسیه شاهد باشیم؛ به گونه‌ای که نه تنها دولتمردان روسیه بلکه بسیاری از مردم این کشور به این مناطق علاقه‌مند بوده و به حفظ آن‌ها حساس هستند.

در سخنرانی پوتین^۱ در مراسم امضای انضمام چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپروژیا در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ به فدراسیون روسیه نیز این اهمیت تاریخی، فرهنگی، زبانی و مذهبی چهار منطقه را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد «پشت انتخاب میلیون‌ها نفر از مردم دونتسک، لوهانسک، زاپروژیا و خرسون سرنوشت مشترک و تاریخ هزارساله ما قرار دارد. مردم این مناطق توانستند این ارتباط معنوی را به فرزندان و نوه‌های خود منتقل کردند. آن‌ها سال‌ها عشق به روسیه را در قلب خود داشتند و هیچ‌کس نمی‌تواند این اشتراکات و احساس را در ما از بین ببرد. پس از فروپاشی شوروی، مردم این مناطق ناگهان خود را از وطن جدا دیدند. این وطن پاره‌پاره شد؛ اما دیگر مهم نیست. هیچ‌چیز قوی‌تر از عزم میلیون‌ها نفر نیست که با فرهنگ، ایمان، سنت‌ها و زبان خود، خود را بخشی از روسیه می‌دانند که اجدادشان قرن‌ها در یک کشور واحد زندگی می‌کردند. هیچ‌چیز قوی‌تر از عزم این مردم برای بازگشت به میهن واقعی و تاریخی خود نیست» (پوتین، ۱۴۰۱: ۱).

تمام این اشتراکات منجر به ایجاد یک هویت مشترک میان جامعه روسیه و جوامع دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپروژیا شده است و از آنجایی که این ویژگی‌های هویتی هر جامعه‌ای است که تعیین می‌کنند بازیگران آن جامعه چگونه رفتار کنند و برای متحدشدن به سمت چه کشورهایی گرایش بیشتری نشان دهند. بنابراین ما از زمان شروع بحران ۲۰۱۴ تا انضمام این چهار منطقه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ شاهد نزدیکی و اتحاد میان روس تبارهای شرق و جنوب اوکراین با روسیه هستیم؛ اتحادی که پس از روی کار آمدن دولت تورچینف در فوریه ۲۰۱۴ به بعد به‌ویژه دولت زلنسکی در مه ۲۰۱۹ مستحکم‌تر شد. در واقع روی کار آمدن این دولت‌ها باعث تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک بین دو کشور شد که نتیجه آن گسترش بحرانی بود که از سال ۲۰۱۴ شروع شده بود. جهت درک چگونگی گسترش بحران باید روابط دو کشور را از زمان شروع ریاست‌جمهوری یانوکوویچ در فوریه ۲۰۱۰ تا انضمام چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپروژیا در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ به فدراسیون روسیه مورد توجه قرار دهیم.

یانوکوویچ که پس از سردی روابط میان روسیه و اوکراین به دلیل حوادث انقلاب نارنجی^۲ روی کار آمده بود، تلاش کرد تا این سردی روابط میان دو کشور را برطرف کند.

^۱. Vladimir Putin

^۲. Orange Revolution

به طوری که زمان کوتاهی پس از رسیدن به سمت ریاست جمهوری، اعلام کرد فرایند ورود اوکراین به اتحادیه اروپا و ناتو را قطع خواهد کرد و در طول ریاست جمهوری خود، قراردادهای همکاری بسیاری را با روسیه منعقد نمود (موسائی و یزدانی، ۱۴۰۰: ۱۶۷). بنابراین اوکراین دوباره پس از حوادث انقلاب نارنجی به دلیل ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی که به وسیله دولت یانوکوویچ میان دو کشور به وجود آمده بود به عنوان دوست در روسیه و سیاست خارجی آن، جایگاه خود را به دست آورده بود. اما این ارزش‌ها و هنجارهای مشترک با سقوط دولت یانوکوویچ و روی کار آمدن دولت تورچینف و اعلام تمایل برای امضای قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا و اتخاذ سیاست‌های ضد روسی نظیر باطل نمودن قانون سال ۲۰۱۲ که آزادی تکلم زبان روسی در شبه جزیره کریمه را تعیین می‌کرد از میان رفت که نتیجه آن تغییر در مناسبات روسیه و اوکراین بود. تغییر مناسباتی که به دلیل تغییرات اساسی در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان روسیه و اوکراین که به وسیله دولت جدید اوکراین وارد صحنه شده بود به وجود آمده بود. در واقع تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان دو کشور روسیه و اوکراین، باعث تغییر هویت و باور آن دو کشور از دوست به دشمن و در نتیجه روابطشان حالت خصمانه به خود گرفت و این تغییر در واکنش دولت روسیه در ناآرام ساختن مناطق شرقی اوکراین و اقدام در جهت انضمام شبه جزیره کریمه به فدراسیون روسیه نمود پیدا کرد.

دولت تورچینف، دولتی غرب‌گرا و ضد روس بود. به همین دلیل، روس‌تباران اوکراین از یک طرف، همسو با رهبران روسیه، دولت جدید اوکراین را نامشروع و برآمده از یک کودتا دانستند و از طرف دیگر، پس از تشدید تنش‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز ارتش اوکراین در مناطق شرقی این کشور، خواستار کمک از جانب روسیه شدند. روسیه نیز از این اتفاقات و درخواست نهایت بهره را برد و به بهانه دفاع از حقوق شهروندان روس‌تبار شرق اوکراین، ابتدا این شبه جزیره را اشغال و سپس با برگزاری یک همه‌پرسی در تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۱۴ و موافقت ۹۶ درصدی مردم شبه جزیره کریمه که به دلیل ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان دو جامعه روسیه و کریمه بود این شبه جزیره را به فدراسیون روسیه ضمیمه نمود (مهکویی، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

این تغییر هویت و باور دو کشور از دوست به دشمن با اقدامات ضد روسی دولت‌های بعدی اوکراین عمیق‌تر شد. زیرا دولت پروشنکو^۱ در سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را به تصویب

^۱. Petro Poroshenko

رساند که بر اساس آن عضویت این کشور در ناتو را قانونی اعلام می‌نمود. در دولت زلنسکی نیز این سیاست با شدت بیشتری دنبال شد. به طوری که ابتدا در سال ۲۰۲۰ اوکراین از سوی ناتو «شریک فرصت‌های پیشرفته» شناخته شد و در ادامه در سال ۲۰۲۱ دو کشور آمریکا و اوکراین منشور ایالات متحده آمریکا و اوکراین درباره مشارکت استراتژیک را به امضا رساندند. اقداماتی که این کشور را گام به گام به عضویت در ناتو نزدیک می‌ساخت.

این اقدامات در کنار برخورد خشونت‌آمیز ارتش اوکراین در مناطق شرقی اوکراین که پس از انضمام شبه جزیره کریمه به روسیه شدت یافته بود، منجر به استقلال جمهوری‌های جدایی طلب دونتسک و لوهانسک در مه ۲۰۱۴ از اوکراین شد. این جدایی طلبی باعث شد تا به مدت هشت سال، دولت و ارتش اوکراین جهت سرکوب جدایی طلبی در این دو منطقه و دیگر مناطقی که گرایش به روسیه داشتند با خشونت برخورد کنند. به طوری که در نهایت رهبران دو منطقه دونتسک و لوهانسک در فوریه ۲۰۲۲ از روسیه در جهت دفع تجاوزهای ارتش اوکراین درخواست کمک نظامی کردند. روسیه نیز با هدف جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو و به بهانه دفاع از حقوق شهروندان روس تبار شرق و جنوب اوکراین و نازی زدایی، ابتدا در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ استقلال دو جمهوری دونتسک و لوهانسک از اوکراین را به رسمیت شناخت و سه روز بعد یک حمله نظامی تمام عیار را به خاک اوکراین آغاز نمود و در ادامه با برگزاری یک همه پرسی از تاریخ ۲۳ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲، اقدام به انضمام لوهانسک، زاپوریژیا، دونتسک و خرسون آن به فدراسیون روسیه نمود. همه پرسی‌ای که به دلیل ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان دو جامعه روسیه با جوامع دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا با موافقت بیش از ۹۰ درصدی مردم این مناطق همراه شد. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه نیز در ۳۰ سپتامبر قرارداد انضمام این مناطق به روسیه را امضا و در ۳ اکتبر مجلس نمایندگان روسیه (دوما)^۱ نیز معاهدات مربوط به پیوستن این مناطق به فدراسیون روسیه را به تصویب رساند (Zhurzhenko, 2023: 4).

بنابراین، تصمیم روسیه در جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به خاک خود برای جلوگیری از تغییر موازنه قدرت در منطقه دریای سیاه به نفع غرب از طریق جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو و رفع زیان‌ها و خسارات مادی ناشی از آن بوده است. از طرف دیگر، خلع یانوکوویچ روس‌گرا از سمت ریاست جمهوری توسط پارلمان این کشور و روی کار آمدن دولت‌های ضد روس و غرب‌گرا

^۱. Duma

در اوکراین پس از وی باعث تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان اوکراین و روسیه شد. تغییری که باعث تبدیل اوکراین از دوست به دشمن شد. اتفاقی که باعث شد تا روسیه در جهت حمله نظامی به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به خاک خود اقدام کند. همچنین هنجارها و ارزش‌های مشترک میان جامعه روسیه با جوامع دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا نیز که باعث به وجود آمدن یک هویت مشترک میان این جوامع شده است، ضمن آنکه زمینه را برای روسیه جهت اشغال و حمله نظامی به اوکراین فراهم آورد، همچنین به این کشور کمک کرد تا با رأی بالایی این مناطق را به فدراسیون روسیه ضمیمه کند.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله تبیین نقش دلایل و عوامل مادی و غیرمادی در حمله نظامی روسیه به اوکراین و انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه بر مبنای چارچوب نظری موازنه تهدید و سازه‌انگاری بود تا از این طریق به سؤال‌های این مقاله پاسخ داده شود. بر اساس گزاره‌های رویکرد موازنه تهدید، اقدام ناتو در جهت عضویت اوکراین به عنوان یکی از مناطق حائل و خارج نزدیک برای روسیه، با توجه به موقعیت و اهمیت اوکراین برای روسیه، به عنوان تغییر موازنه قدرت به نفع غرب در منطقه دریای سیاه و در نتیجه تهدیدی جدی علیه امنیت و منافع ملی این کشور قلمداد شد. بنابراین روسیه برای جلوگیری از این تغییر موازنه، ضمن حمله نظامی به اوکراین و در نهایت دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه، اقدام به عمیق‌تر کردن روابط با چین کرد تا از این طریق از تغییر موازنه قدرت به نفع غرب در این منطقه و تهدیدهای ناشی از آن جلوگیری نماید. روسیه به دلیل موقعیت و اهمیت هویتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی اوکراین نمی‌توانست اجازه دهد این کشور به مکانی برای پایگاه‌های نظامی غرب تبدیل گردد که در صورت وقوع، باعث تغییر موازنه قدرت به نفع غرب و در نتیجه امنیت و منافع ملی روسیه با تهدید جدی روبرو می‌گردید.

طبق گزاره‌های سازه‌انگاری نیز این تغییرات به وجود آمده در ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان روسیه و اوکراین و همچنین پیوندهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی، نژادی - قومی و زبانی بین روسیه و مناطق ضمیمه شده بودند که باعث گسترش بحران و موفقیت این انضمام‌ها شدند. زیرا این عوامل از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری هویت‌ها و در نتیجه

اتحادها می‌باشند. همان‌طور که بیان شد روابط سیاسی میان دولت یانوکوویچ روس تبار و دولت روسیه تا قبل از خلع یانوکوویچ به دلیل ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میانشان، دوستانه بود. اما این روابط با تغییر هنجارها و ارزش‌های مشترک که نتیجه روی کار آمدن دولت‌های غرب‌گرا و ضد روس بود، دگرگون و باعث تغییر هویت و باور روسیه نسبت به اوکراین از دوست به دشمن شد. تغییری که خود را در واکنش دولت روسیه در جهت حمله نظامی به اوکراین و اقدام در جهت انضمام دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به فدراسیون روسیه نشان داد. همچنین اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و نژادی بین جامعه روسیه و با جوامع این مناطق باعث به‌وجود آمدن یک هویت مشترک میان دو جامعه شده است. هویت مشترکی که هم در گسترش بحران و هم در موفقیت‌آمیز بودن انضمامها نقش مهمی ایفا کرد. زیرا پس از شروع بحران ۲۰۱۴ به‌ویژه پس از روی کار آمدن دولت‌های بعد از دولت یانوکوویچ در اوکراین و اتخاذ سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ضد روسی نظیر اعلام تمایل برای امضای قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا، درخواست عضویت در ناتو، باطل نمودن قانون آزادی تکلم به زبان روسی در شبه‌جزیره کریمه و مناطق روس‌نشین، تروریستی خواندن اقدامات روس تباران شرق اوکراین و اقدامات خشونت‌آمیز ارتش این کشور در مناطق شرقی، روس تباران اوکراین اعتراض خود را نسبت به اقدامات ضد روسی و خشونت‌آمیز دولت‌ها و ارتش اوکراین اعلام و از روسیه درخواست کمک کردند. روسیه نیز از این اتفاقات و درخواست، نهایت استفاده را برد و به بهانه دفاع از حقوق شهروندان روس تبار شرق اوکراین و نازی‌زدایی ابتدا شبه‌جزیره کریمه را اشغال و در ۲۱ مارس ۲۰۱۴ به خاک خود ضمیمه کرد و در ادامه پس از حمله نظامی به اوکراین، چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا را در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ طی یک همه‌پرسی با رأی بالای مردم این مناطق که ناشی از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان جامعه روسیه و جوامع شبه‌جزیره کریمه، دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا بود به فدراسیون روسیه ضمیمه کرد. بنابراین در کنار علل مادی مؤثر بر انضمام این مناطق به فدراسیون روسیه، عوامل غیرمادی نیز نقشی تسهیل‌کننده و مهم در این انضمامها داشته‌اند.

منابع و مأخذ

فارسی

- اعظمی، هادی؛ محمد نظری و سید علی حسینی. (۱۳۹۷)، «رقابت ژئوپلیتیک روسیه و آمریکا در اوکراین (۲۰۱۷ - ۲۰۰۴)»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، دوره ۶، شماره ۲، ص ۵۲ - ۲۱.
- برهانی، زهرا؛ نسرین مصفا و ابو محمد عسگر خانی. (۱۳۹۵)، *مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق و جنبش جدایی‌طلبی در شرق اوکراین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- پوتین، ولادیمیر. (۱۴۰۱)، «مشروح سخنان ولادیمیر پوتین در مراسم امضای قرارداد الحاق سرزمین‌های آزادشده به روسیه»، *اسپوتنیک*، تاریخ دسترسی ۴ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در <https://spnfa.ir/20220930>
- پولاب، شهره. (۱۴۰۲)، «همه نگاه‌ها به دریای سیاه است»، *دیپلماسی ایرانی*، تاریخ دسترسی ۱۴ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2021307>
- جاویدان، هدایت. (۱۴۰۱)، «الحاق مناطق جدید به روسیه چه اهمیتی دارد؟»، *روزنامه قدس*، تاریخ دسترسی ۱۴ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://www.qudsdaily.com/Newspaper/item/31762>
- خبرگزاری مهر. (۱۴۰۲)، «ابعاد استراتژی ۱۰ ساله برای توسعه منطقه «زاپوریژیا»»، تاریخ دسترسی ۹ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/5880894>
- دنیای اقتصاد. (۱۴۰۰)، «اتحاد نفتی مسکو و پکن برای مقابله با غرب»، تاریخ دسترسی ۱۶ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://donya-e-eqtasad.com/35/3843043>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ پنجم، تهران؛ نشر سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۴)، *اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)*، چاپ اول، تهران؛ نشر سمت.
- دیپلماسی ایرانی. (۱۴۰۱)، «روسیه: هدف، کنترل کامل دونباس و اتصال آن به کریمه است»، تاریخ دسترسی: ۱۵ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2011379>
- رحیمی چسلی، قاسم؛ مجید روحی دهبند و مهناز گودرزی. (۱۴۰۲)، «بررسی تقابل ایالات متحده و فدراسیون روسیه در بحران اوکراین از دریچه فرهنگ راهبردی»، *سیاست جهانی*، دوره ۱۲، شماره ۳، ص ۵۲ - ۲۹.
- رضایی، نیما و مجتبی شریعتی. (۱۴۰۲)، «واکاوی دلایل تلفات و خسارات سنگین ارتش روسیه در شصت روز ابتدایی جنگ سال ۲۰۲۲ با اوکراین»، *سیاست دفاعی*، دوره ۳۲، شماره ۱۲۴، ص ۲۱۳ - ۱۷۷.
- روزنامه ایران. (۱۴۰۱)، «شرق دونباس و جنوب اوکراین در آستانه الحاق به روسیه»، تاریخ دسترسی: ۲۵ /۵ /۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://www.magiran.com/article/4340688>
- عبداله خانی، علی. (۱۳۹۰)، *فرهنگ استراتژیک*، چاپ دوم، تهران؛ انتشارات موسسه ابرار معاصر.

مرادی، علیرضا. (۱۳۹۴)، «هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تأثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان»، **مهندسی فرهنگی**، دوره ۹، شماره ۸۴، ص ۱۴۴ - ۱۲۸.

مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۸۳)، «سازمانگاری به‌عنوان فرا نظریه روابط بین‌الملل»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۵، ص ۱۴۴ - ۱۱۳.

مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۸۹)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، چاپ پنجم، تهران؛ نشر سمت.

موسائی، علی و عنایت‌الله یزدانی. (۱۴۰۰)، «نقش عوامل غیرمادی در الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه»، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۱۲، شماره ۴، ص ۱۸۰ - ۱۵۳.

موسائی، علی؛ عنایت‌الله یزدانی و محمدعلی بصیری. (۱۴۰۲)، «اهمیت اوکراین و نقش آن در رقابت و تقابل میان روسیه و اوکراین»، **ژئوپلیتیک**، دوره ۱۹، شماره ۷۱، ص ۳۲۹ - ۲۹۹.

موسائی، علی؛ عنایت‌الله یزدانی و محمدعلی بصیری. (۱۴۰۲ الف)، **اقدامات موازنه ساز روسیه در بحران ۲۰۱۴ اوکراین، مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۱۶، شماره ۱، ص ۱۹۶ - ۱۷۱.

مهرکویی، حجت. (۱۳۹۷)، «تحلیل مناقشات قومی - دینی میان مسیحیان و مسلمانان در شبه‌جزیره کریمه»، **سیاست جهانی**، دوره ۷، شماره ۱، ص ۲۲۵ - ۱۹۷.

نیاکوئی، امیر و امیر رهام شجاعی. (۱۴۰۲)، «واکاوی ابعاد جنگ روسیه و اوکراین از منظر واقع‌گرایی تهاجمی»، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۱۳، شماره ۳، ص ۹۲ - ۶۵.

ورستان، توحید. (۱۴۰۲)، «افزایش سرمایه‌گذاری چین در روسیه با وجود تنش‌های ژئوپلیتیک جهانی»، **مسیر اقتصاد**، تاریخ دسترسی ۱۹/۵/۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://masireqtesad.ir/160083>

هلالات، عماد. (۱۴۰۱)، «نقشه جنگ روسیه در ۲۰۲۳؛ تسلط بر دریای سیاه»، **روزنامه ایران**، تاریخ دسترسی: ۱۱/۵/۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://irannewspaper.ir/8140/6/8104>

لاتین

- Akulov, Mikhail. (2013), **War Without Fronts: Atamans and Commissars in Ukraine, 1917–1919**, Doctoral dissertation, Harvard University.
- Anadolu Ajansi. (2022), «Economic Importance of 4 Ukrainian Regions Joining Russia», Accessed on: 2/8/2024, Retrieved from: <https://www.aa.com.tr/en/europe/economic-importance-of-4-ukrainian-regions-joining-russia/2699319>
- Bock, Andreas, Ingo Henneberg and Friedrich Plank. (2014), «If you Compress the Spring, it Will Snap Back Hard: The Ukrainian crisis and the Balance of Threat Theory», **Global Policy Analysis**, Vol. 70, No. 1, P. 101-109.
- Buckley, Neil. (2014), «Ukraine Protests Spread to Yanukovich Heartland», **Financial Times**, Accessed on: 14/8/2024, Retrieved from: <https://www.ft.com/content/0be4a86e-86b0-11e3-aa31-00144feab7de>

- Cavandoli, Sofia. (2016). «The Unresolved Dilemma of Self-determination: Crimea, Donetsk and Luhansk», **The International Journal of Human Rights**, Vol. 20, No. 7, P. 875-892.
- Dryad Global**. (2023), «What is the Impact on Shipping, Ports and Commercial Operations of Russia's Invasion of Ukraine? », Accessed on: 9/8/2024, Retrieved from: <https://www.dryadglobal.com/ukraine-invasion-and-the-impact-on-shipping-ports-and-commercial-operations>
- Ekman, Per. (2023), «Painful Moments and Realignment: Explaining Ukraine's Foreign Policy, 2014–2022», **Problems of Post-Communism**, Vol. 71, No. 3, P. 232–244.
- Ellyatt, Holly. (2022), «Battle for Donbas: 3 Reasons why Russia is Shifting its War Machine to East Ukraine», **CNBC**, Accessed on: 27/7/2024, Retrieved from: <https://www.cnbc.com/2022/04/19/why-does-russia-want-the-donbas-region-so-much.html>
- Encyclopedia of Ukraine**. (2015), «Kherson», Accessed on: 12/8/2024, Retrieved from: <https://www.encyclopediaofukraine.com/display.asp?linkpath=pages%5CCK%5CH%5CKherson.htm>
- Euro News**. (2022), «What is the Process of Joining NATO and how lucky is Ukraine to Join the Alliance», Accessed on: 11/8/2022, Retrieved from: <https://per.euronews.com/2022/02/18/what-is-the-process-of-joining-nato-and-how-lucky-is-ukraine-to-join-the-alliance>
- Keypour, Javad and Ivar Hendla. (2019), «The Annexation of Crimea: A Realist Look from the Energy Resources Perspective», **Baltic Journal of European Studies**, Vol. 9, No. 3, P. 148-165.
- Kuromiya, Hiroaki. (2003), **Freedom and Terror in the Donbas: A Ukrainian-Russian Borderland, 1870s-1990s**, First Edition, Cambridge, Cambridge University Press.
- Kyiv International Institute of Sociology**. (2004), «Portrait of Yushchenko and Yanukovich electorates», Accessed on: 27/7/2024, Retrieved from: <https://web.archive.org/web/20150403101945/http://www.analitik.org.ua/researches/archives/3dee44d0/41ecef0cad01e/>
- Liga News**. (2014), «В Херсоне прошел пророссийский митинг», Accessed on: 3/8/2024, Retrieved from: https://news.liga.net/politics/news/v_khersonone_proshel_miting_protiv_nasiliya_i_fashizma_v_ukraine
- Malyarenko, Tetyana and Borys Kormych. (2023), «Russian Policy Towards the Economy of Occupied Ukrainian Territories: Crawling De-modernization», **Eurasian Geography and Economics**, Vol. 64, No. 2, P. 220–237.
- Photoalbum**. (2008), «История Запорожья», Accessed on: 16/8/2024, Retrieved from: <http://photoalbum.zp.ua/history/history/part1.htm>

- Razumkov Centre.** (2015), «Religious Preferences of the Population of Ukraine», Accessed on: 20/8/2024, Retrieved from: <http://infolight.org.ua/content/religiyni-vpodobannya-naselennya-ukrayiny>
- Reus-Smit, Christian. (2002), «Imagining society: Constructivism and the English School», *Journal of Politics and International Relations*, Vol. 4, No. 3, P. 487-509.
- Reuters.** (2024), «China-Russia 2023 trade value hits record high of \$240 bln - Chinese customs», Accessed on: 10/8/2024, Retrieved from: <https://www.reuters.com/markets/china-russia-2023-trade-value-hits-record-high-240-bln-chinese-customs-2024-01-12/>
- State Statistics Committee of Ukraine.** (2001), «About Number and Composition Population of UKRAINE by Data All-Ukrainian Population Census'2001 data? », Accessed on: 29/7/2024, Retrieved from: <https://web.archive.org/web/20111217151026/http://2001.ukrcensus.gov.ua/eng/results/general/nationality/>
- State Statistics Service of Ukraine.** (2018), «Volume of Russian investments», Accessed on: 1/8/2022, Retrieved from: <https://ukrstat.org/en>
- Statista.** (2020), «Leading source countries for foreign direct investment (FDI) in Russia in 2019, by number of projects», Accessed on: 17/8/2022, Retrieved from: <https://www.statista.com/statistics/915431/leading-countries-investing-in-russia/>
- Steff, Reuben and Nicholas Khoo. (2014), «Hard balancing in the age of American unipolarity: The Russian response to US ballistic Missile defense during the bush administration (2001–2008) », *Journal of Strategic Studies*, Vol. 37, No. 2, P. 222-258.
- The Center for Preventive Action.** (2024), «War in Ukraine, Global Conflict Tracker», Accessed on: 18/8/2024, Retrieved from: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/conflict-ukraine>,
- UNDP.** (2021), «Ukraine: Kherson 2021, City Profile, Relief Web», Accessed on: 7/8/2024, Retrieved from: <https://reliefweb.int/report/ukraine/ukraine-kherson-2021-city-profile>
- VEB.RF.** (2023), «Intergovernmental Russian-Chinese Commission on Investment Cooperation», Accessed on: 15/8/2024, Retrieved from: <https://xn--90ab5f.xn--p1ai/en/international-multilateral-cooperation/russian-chinese-commission/>
- Vovk, Dmytro. (2022), «Religion and the Russian-Ukrainian Conflict», *Byu Law*, Accessed on: 9/8/2024, Retrieved from: <https://talkabout.iclrs.org/2022/02/25/religion-and-the-russian-ukrainian-conflict/>
- Walt, Stephen. (1985), «Alliance Formation and the Balance of World Power», *International Security*, Vol. 9, No. 4, P. 3-43.
- Walt, Stephen. (1987), *The Origins of Alliances*, First Edition, Ithaca, New York, Cornell University Press.
- Wendt, Alexander. (1994), «Collective Identity Formation and the International State», *American Political Science Review*, Vol. 88, No. 2, P. 384-396.

روسيه و انضمام نمودن دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوريژيا □ ۷۹

Wendt, Alexander. (1999), **Social Theory of International Politics**, First Edition, Cambridge, Cambridge University Press.

Zhurzhenko, Tatiana. (2023), «Terror, collaboration and resistance», **Eurozine**, No. 1, P. 1-20.

Большая Советская Энциклопедия. (1957), **Херсон**, Москва, Государственное научное издательство.